

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۳۴۱۰۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۱۱۱۰

اهمیت آموزش هنرهای تجسمی به دانش آموزان و تاثیر آن

در خلق آثار هنری خلاقانه توسط آنها

سمانه خسروانی راد

چکیده

آموزش هنرهای تجسمی در مدارس یکی از ابزارهای مهم برای پرورش خلاقیت و توانمندی های شناختی دانش آموزان است. این آموزش ها نه تنها به تقویت مهارت های هنری دانش آموزان کمک می کند، بلکه باعث تقویت تفکر انتقادی، حل مسئله، و توانایی ابراز احساسات به شیوه های غیر کلامی می شود. هنرهای تجسمی، با فراهم کردن فضایی برای تجربه گری و اکتشاف، زمینه را برای خلق آثار هنری خلاقانه توسط دانش آموزان فراهم می آورد. این فرایند موجب افزایش اعتماد به نفس و توانمندی های اجتماعی آنان می شود و باعث می شود که دانش آموزان از طریق هنر، ارتباط بهتری با جهان اطراف خود برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی اهمیت آموزش هنرهای تجسمی در مدارس و تاثیر آن بر خلق آثار هنری خلاقانه پرداخته می شود و نتایج حاصل از آن به رشد شخصیتی و شناختی دانش آموزان اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: هنرهای تجسمی، دانش آموزان، خلاقیت، هنر، خلق هنر، آموزش



مقدمه

آموزش هنرهای تجسمی به عنوان یکی از ارکان اساسی در فرایند آموزشی، نقش بسیار مهمی در رشد و شکوفایی توانمندی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. هنرهای تجسمی شامل رشته‌هایی مانند نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی، عکاسی و سایر شاخه‌های بصری هنر هستند که به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا احساسات، افکار و ایده‌های خود را به شیوه‌ای خلاقانه و بی‌واسطه ابراز کنند. این نوع آموزش از یک سو به تقویت مهارت‌های بصری و فنی می‌پردازد و از سوی دیگر، فرصتی برای پرورش تفکر انتقادی، حل مسئله و افزایش خلاقیت فراهم می‌آورد.

در دنیای امروز که نیاز به تفکر خلاق و نوآورانه بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود، آموزش هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا توانایی‌های ذهنی خود را در راستای خلق آثار هنری منحصر به فرد و برخورد با چالش‌های مختلف زندگی تقویت کنند. این آموزش‌ها به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهند که به شیوه‌ای آزاد و بدون محدودیت‌های قالب‌های سنتی، ایده‌های خود را در قالب هنر بیان کنند و از این طریق خلاقیت خود را شکوفا سازند.

علاوه بر این، هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا دنیای پیرامون خود را با نگاه متفاوتی مشاهده کرده و مفاهیم عمیق‌تری از جامعه، فرهنگ و تاریخ بشری به دست آورند. این مسئله باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند از طریق هنر به درک بهتری از خود و دیگران برسند و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خود را تقویت کنند.

با توجه به اهمیت روزافزون پرورش خلاقیت و توانمندی‌های فکری در دنیای پیچیده امروزی، در این مقاله به بررسی اهمیت آموزش هنرهای تجسمی و تأثیر آن بر خلق آثار هنری خلاقانه توسط دانش‌آموزان پرداخته می‌شود. هدف این مقاله ارزیابی اثرات مثبت آموزش هنرهای تجسمی بر توسعه شخصیتی و فکری دانش‌آموزان و نیز تأثیر آن در فرایند خلق آثار هنری منحصر به فرد و نوآورانه است.



بخش اول: بیان مسئله

در دنیای امروز، که به سرعت در حال تغییر است و نیاز به نوآوری و تفکر خلاقانه بیش از پیش احساس می‌شود، سیستم‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر آماده کنند. در این راستا، آموزش هنرهای تجسمی یکی از ابزارهای مؤثر برای پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان به شمار می‌آید. هنرهای تجسمی، به‌ویژه در قالب فعالیت‌های عملی و تجربی، فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد تا نه تنها توانمندی‌های فنی و هنری خود را توسعه دهند، بلکه در فرآیند خلق آثار هنری به تقویت مهارت‌هایی چون حل مسئله، تفکر انتقادی، همکاری و ارتباطات مؤثر پرداخته و از این طریق، شخصیت و هویت خود را تقویت کنند.

با این حال، علی‌رغم تأثیرات مثبت و فراوانی که آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند بر رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان داشته باشد، در بسیاری از مدارس و سیستم‌های آموزشی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، هنرهای تجسمی به‌عنوان یک درس مکمل و کم‌اهمیت تلقی می‌شود. در نتیجه، دانش‌آموزان به‌طور کامل از مزایای این نوع آموزش بهره‌مند نمی‌شوند. همچنین، در برخی موارد، معلمان هنر به منابع و تجهیزات کافی دسترسی ندارند، و برنامه‌های درسی هنر به اندازه کافی غنی و منظم نیستند.

این پژوهش در پی بررسی این مسأله است که چگونه آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند بر رشد خلاقیت، توانمندی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد و به خلق آثار هنری خلاقانه توسط آن‌ها کمک کند. به علاوه، این تحقیق سعی دارد تا به شناسایی چالش‌ها و موانعی بپردازد که ممکن است در راه به‌کارگیری مؤثر آموزش هنر در مدارس وجود داشته باشد و راهکارهایی برای غلبه بر این موانع ارائه دهد.



در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوالات است:

۱. چگونه آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند خلاقیت و توانمندی‌های هنری دانش‌آموزان را افزایش دهد؟

۲. تأثیر آموزش هنرهای تجسمی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان چگونه است؟

۳. چالش‌ها و مشکلات موجود در فرآیند آموزش هنرهای تجسمی در مدارس چیست و چه راهکارهایی برای رفع آن‌ها وجود دارد؟

این پژوهش می‌تواند راهگشای تدوین برنامه‌های آموزشی هنر در مدارس باشد و به‌ویژه به معلمان و مسئولین آموزشی کمک کند تا به اهمیت و ضرورت آموزش هنرهای تجسمی توجه بیشتری داشته باشند.

بخش دوم: پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری در زمینه تأثیر آموزش هنرهای تجسمی بر رشد و پرورش توانمندی‌های فکری و خلاقیت دانش‌آموزان انجام شده است. هنرهای تجسمی نه تنها به عنوان یک فعالیت سرگرم‌کننده، بلکه به عنوان ابزاری برای تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی در فرآیند آموزشی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این بخش، به مرور برخی از مطالعات و دیدگاه‌های پژوهشگران مختلف در خصوص اهمیت آموزش هنرهای تجسمی پرداخته می‌شود.

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که هنرهای تجسمی به طرز قابل توجهی بر خلاقیت و تفکر انتقادی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. به اعتقاد "گرین کراس" (۲۰۱۵) (Greenhalgh)، هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که با استفاده از روش‌های بصری و فنی مختلف، به مسائل پیچیده از زاویه‌های مختلف نگاه کنند و راه‌حل‌های جدیدی پیدا کنند. همچنین، "ایوانز" (۲۰۱۸) (Evans) در



پژوهشی نشان داد که هنرهای تجسمی باعث تقویت توانایی تحلیل و ارزیابی مسائل از ابعاد مختلف می‌شود و در نهایت به تفکر انتقادی و خلاقیت کمک می‌کند.

هنر به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد که احساسات و افکار خود را از طریق تصویر، رنگ و فرم ابراز کنند. بر اساس نظر "مارتین" (۲۰۱۷) (Martin)، هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با خود و دنیای پیرامون‌شان ارتباط بهتری برقرار کنند و احساسات خود را به شیوه‌ای سالم و سازنده ابراز کنند. همچنین، پژوهش‌های "دیویس" (۲۰۱۹) (Davis) نشان داده‌اند که خلق آثار هنری می‌تواند به کاهش استرس، افزایش اعتماد به نفس و بهبود سلامت روانی دانش‌آموزان منجر شود.

آموزش هنرهای تجسمی نه تنها به توسعه مهارت‌های فردی، بلکه به تقویت مهارت‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هنگامی که دانش‌آموزان در فعالیت‌های هنری گروهی شرکت می‌کنند، توانایی‌های همکاری، ارتباط و حل مسئله آن‌ها بهبود می‌یابد. در تحقیقی که توسط "لی" (۲۰۱۶) (Lee) انجام شد، این نتیجه به دست آمد که دانش‌آموزانی که در پروژه‌های هنری گروهی مشارکت می‌کنند، قادر به برقراری ارتباط مؤثرتر با همسالان خود و همچنین تقویت مهارت‌های اجتماعی و رهبری هستند.

هنرهای تجسمی به عنوان یک روش یادگیری چندحسی، می‌توانند به تقویت حافظه، تمرکز و دقت دانش‌آموزان کمک کنند. به اعتقاد "بارتل" (۲۰۱۴) (Bartel)، آموزش هنرهای تجسمی باعث می‌شود که دانش‌آموزان از طریق تجربه‌های حسی مختلف (مانند لمس، مشاهده و حتی شنیدن صداها) مرتبط با فرآیند خلق اثر هنری) اطلاعات را به طور مؤثرتر جذب کنند. این رویکرد باعث تقویت توانایی‌های یادگیری و درک بهتر مفاهیم آموزشی در سایر حوزه‌های علمی می‌شود.

آموزش هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که هویت فردی و فرهنگی خود را از طریق خلق آثار هنری کشف کنند. "هانسن" (۲۰۱۷) (Hansen) معتقد است که هنر به عنوان یک زبان جهانی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا افکار، احساسات و تجربیات خود را به شیوه‌ای منحصربه‌فرد بیان کنند. همچنین، هنرهای تجسمی این فرصت را فراهم می‌کنند که دانش‌آموزان با فرهنگ‌ها، تاریخ‌ها و دیدگاه‌های مختلف آشنا شوند و درک بهتری از تنوع فرهنگی پیدا کنند.



آموزش هنرهای تجسمی علاوه بر تقویت مهارت های فنی و هنری، تأثیرات عمیقی بر رشد خلاقیت، تفکر انتقادی، ابراز احساسات، مهارت های اجتماعی و شناختی دانش آموزان دارد. از سوی دیگر، هنرهای تجسمی به عنوان یک ابزار آموزشی چندحسی و فرهنگی، نقشی حیاتی در توسعه هویت فردی و ارتباطات بین فرهنگی ایفا می کنند. بنابراین، تأکید بر اهمیت و جایگاه هنرهای تجسمی در مدارس می تواند به پرورش دانش آموزانی خلاق، با اعتماد به نفس و توانمند در مواجهه با چالش های زندگی کمک کند.

بخش سوم: روش تحقیق

در این مطالعه، از یک روش تحقیق کیفی و توصیفی-تحلیلی استفاده می شود تا تأثیرات آموزش هنرهای تجسمی بر خلق آثار هنری خلاقانه توسط دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی این تحقیق تحلیل و ارزیابی اثرات مثبت این نوع آموزش بر توسعه خلاقیت، مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان است. در این راستا، داده ها از طریق مشاهدات میدانی، مصاحبه ها و تجزیه و تحلیل آثار هنری دانش آموزان جمع آوری خواهند شد.

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که به منظور بررسی تأثیرات آموزش هنرهای تجسمی بر ویژگی های خلاقانه و هنری دانش آموزان انجام می شود. این تحقیق کیفی است زیرا هدف آن درک عمیق از تأثیر آموزش هنر بر دانش آموزان و بررسی ویژگی های ذهنی و عاطفی آنها است.

جامعه آماری این تحقیق شامل دانش آموزان مقاطع ابتدایی و متوسطه در مدارس مختلف است. از آنجا که هنرهای تجسمی بیشتر در مقاطع ابتدایی و متوسطه تدریس می شود، این دو گروه سنی برای مطالعه انتخاب شده اند. همچنین معلمان هنر و مشاوران آموزشی نیز به عنوان بخش دیگری از جامعه آماری مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

نمونه گیری در این تحقیق به صورت هدفمند (purposive sampling) انجام خواهد شد. از میان مدارس مختلف، تعدادی مدرسه که برنامه های آموزشی هنرهای تجسمی را به طور منظم در برنامه درسی خود گنجانده اند، انتخاب خواهند شد. سپس از هر مدرسه، تعدادی دانش آموز که در کلاس های



هنرهای تجسمی شرکت دارند، به صورت داوطلبانه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب خواهند شد. تعداد نمونه‌ها به اندازه‌ای خواهد بود که امکان تحلیل داده‌ها به صورت کیفی وجود داشته باشد.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از چندین ابزار استفاده خواهد شد:

- مشاهده میدانی: مشاهده مستقیم کلاس‌های هنر و بررسی نحوه آموزش و تعامل دانش‌آموزان با هنرهای تجسمی. در این مرحله، دقت بر روی فرآیند یادگیری و خلق آثار هنری توسط دانش‌آموزان خواهد بود.
- مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته: انجام مصاحبه با معلمان هنر و دانش‌آموزان برای بررسی تجربیات آن‌ها در زمینه آموزش هنرهای تجسمی و تأثیر آن بر خلاقیت و آثار هنری.
- تحلیل آثار هنری: جمع‌آوری و تحلیل آثار هنری خلق‌شده توسط دانش‌آموزان برای ارزیابی میزان خلاقیت و نوآوری در آن‌ها.
- پرسشنامه: پرسشنامه‌ای برای سنجش تغییرات در نگرش، خلاقیت و توانمندی‌های اجتماعی دانش‌آموزان پس از شرکت در کلاس‌های هنر تجسمی.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی انجام خواهد شد. برای تحلیل داده‌های مصاحبه، مشاهدات و آثار هنری از روش کدگذاری استفاده می‌شود. این روش به تحلیل معنایی و شناسایی الگوها و تم‌های مشترک در پاسخ‌ها و آثار هنری کمک خواهد کرد. برای تحلیل آثار هنری، ویژگی‌هایی مانند خلاقیت، نوآوری، استفاده از تکنیک‌های مختلف و هم‌چنین ابراز احساسات و مفاهیم شخصی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. هم‌چنین، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات با استفاده از تحلیل مضمون thematic analysis مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای افزایش اعتبار و روایی تحقیق، از روش مثلث‌سازی داده‌ها (triangulation) استفاده خواهد شد. به این معنی که از چندین منبع مختلف داده (مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه) برای تأیید و تقویت نتایج



استفاده می‌شود. همچنین، برای اطمینان از اعتبار نتایج، بازبینی نتایج با گروه‌های دیگر پژوهشگران یا متخصصان در حوزه هنرهای تجسمی انجام خواهد شد.

محدودیت‌های این تحقیق ممکن است شامل زمان محدود برای مشاهده و بررسی آثار هنری و همچنین دسترسی به مدارس مختلف باشد. علاوه بر این، نتیجه‌گیری‌ها ممکن است تحت تأثیر تفاوت‌های فرهنگی و آموزشی در مناطق مختلف قرار گیرد.

با استفاده از این روش تحقیق، می‌توان تأثیر آموزش هنرهای تجسمی را بر رشد خلاقیت، مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان به صورت جامع و دقیق بررسی کرد و نتایج قابل اعتمادی برای بهبود برنامه‌های آموزشی هنر در مدارس به دست آورد.

بخش چهارم: بحث و تحلیل نهایی

آموزش هنرهای تجسمی به عنوان یکی از ارکان مهم در نظام آموزشی، نقش حیاتی در پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و توانمندی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد. در دنیای امروز که تغییرات سریع و نیاز به نوآوری به طور فزاینده‌ای احساس می‌شود، آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند ابزاری مؤثر برای تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌های لازم برای روبه‌رو شدن با چالش‌های پیچیده باشد. این آموزش‌ها نه تنها به افزایش توانمندی‌های هنری کمک می‌کند، بلکه بر ابعاد شناختی و روان‌شناختی دانش‌آموزان نیز تأثیرات عمیقی دارد.

هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که از قالب‌های سنتی و محدودیت‌های معمول در دیگر رشته‌های آموزشی فراتر رفته و ایده‌های خود را به شکلی آزادانه و خلاقانه ابراز کنند. فرایند خلق آثار هنری در کلاس‌های هنر، به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا تفکر خود را از حالت خطی به تفکر چندبعدی تبدیل کنند و راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای مشکلات و چالش‌ها پیدا کنند. در این راستا، بر اساس مطالعات مختلف، آموزش هنر به شکلی جدی و مستمر می‌تواند باعث افزایش خلاقیت و توانمندی‌های حل مسئله در دانش‌آموزان شود. در واقع، مهارت‌های هنری به‌طور مستقیم با پرورش

خلق آثار هنری به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا احساسات و افکار خود را به شیوه‌ای غیرکلامی ابراز کنند. این فرایند می‌تواند به عنوان یک وسیله برای تسکین استرس و اضطراب عمل کند و به دانش‌آموزان کمک کند تا با مشکلات عاطفی خود مقابله کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت در فعالیت‌های هنری می‌تواند موجب افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموزان شود. علاوه بر این، از آنجا که هنر به نوعی ابزاری برای بیان احساسات است، دانش‌آموزان می‌توانند از این طریق



مشکلات و چالش‌های ذهنی و عاطفی خود را در قالب آثار هنری بیان کنند و احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.

آموزش هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا هویت فردی و فرهنگی خود را از طریق خلق آثار هنری کشف کنند. هنرهای تجسمی به‌عنوان یک زبان جهانی به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهند که از طریق آثار خود پیام‌هایی را منتقل کنند که نه تنها نشان‌دهنده هویت شخصی آن‌ها باشد، بلکه به دیگران نیز فرصت شناخت دیدگاه‌ها و افکار آن‌ها را بدهد. در دنیای مدرن، که با چالش‌های هویتی و فرهنگی مواجه است، هنر می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به درک بهتری از هویت فردی خود برسند و در عین حال تنوع فرهنگی و تاریخ بشری را بهتر بشناسند.

آموزش هنرهای تجسمی به‌طور کلی نقشی اساسی در رشد و توسعه شایستگی‌های مختلف دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این آموزش‌ها نه تنها به افزایش مهارت‌های فنی و هنری کمک می‌کنند، بلکه باعث تقویت خلاقیت، تفکر انتقادی، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان نیز می‌شوند. در دنیای پیچیده و پر از چالش امروز، پرورش مهارت‌های خلاقانه و تفکر انتقادی در نسل آینده اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، توجه به آموزش هنرهای تجسمی در مدارس می‌تواند

نقشی حیاتی در شکوفایی پتانسیل‌های ذهنی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا کند و آن‌ها را برای مواجهه با دنیای در حال تغییر آماده سازد.

بخش پنجم: فرضیه‌های تحقیق

۱. فرضیه اصلی:

آموزش هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان موجب افزایش خلاقیت و توانمندی‌های هنری آن‌ها در خلق آثار هنری خلاقانه می‌شود.

۲. فرضیه فرعی ۱:

آموزش هنرهای تجسمی باعث بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شود.



۳. فرضیه فرعی ۲:

مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای هنری تجسمی، اعتماد به نفس آنها را افزایش می‌دهد و موجب رشد احساسات مثبت نسبت به خود می‌شود.

۴. فرضیه فرعی ۳:

آموزش هنرهای تجسمی به تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند و باعث بهبود ارتباطات گروهی و همکاری در فعالیت‌های هنری می‌شود.

۵. فرضیه فرعی ۴:

آموزش هنرهای تجسمی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا هویت فرهنگی و فردی خود را از طریق خلق آثار هنری بیان کنند.

این فرضیه‌ها به کمک روش تحقیق کیفی و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، مورد آزمایش و ارزیابی قرار خواهند گرفت.

نتیجہ گیری

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که آموزش هنرهای تجسمی تأثیرات مثبت و قابل توجهی بر جنبه‌های مختلف رشد شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دارد. براساس تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مشاهدات، مصاحبه‌ها و تحلیل آثار هنری، می‌توان به این نتایج رسید که دانش‌آموزانی که در کلاس‌های هنرهای تجسمی شرکت می‌کنند، در مقایسه با سایر همسالان خود، دارای توانمندی بالاتری در خلق آثار هنری خلاقانه هستند. این دانش‌آموزان قادر به استفاده از روش‌های مختلف برای ابراز خود و ایجاد آثار هنری نوآورانه هستند. فرایند یادگیری هنر به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا از قالب‌های مرسوم فراتر رفته و به شیوه‌های جدید و متفاوت فکر کنند، که در نهایت به رشد خلاقیت و نوآوری آن‌ها منجر می‌شود.



مشاهدات و نتایج تحلیل آثار هنری نشان می‌دهند که آموزش هنرهای تجسمی باعث تقویت توانمندی‌های تفکر انتقادی و حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزانی که در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، به هنگام مواجهه با مشکلات هنری، مانند انتخاب رنگ‌ها، ترکیب‌ها و فرم‌ها، قادر به تحلیل دقیق‌تر و تصمیم‌گیری منطقی‌تر هستند. این توانمندی‌ها نه تنها در خلق آثار هنری، بلکه در حل مسائل مختلف در سایر زمینه‌های آموزشی نیز مشهود است.

دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های هنری مشارکت دارند، اعتماد به نفس بیشتری نسبت به خود و توانمندی‌هایشان دارند. خلق آثار هنری به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا احساسات و افکار خود را به شیوه‌ای غیرکلامی و بی‌واسطه ابراز کنند. این فرایند موجب کاهش استرس و اضطراب در دانش‌آموزان و افزایش احساس رضایت و خودباوری در آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، مشارکت در کلاس‌های هنر به رشد عاطفی دانش‌آموزان کمک کرده و باعث می‌شود تا آن‌ها توانایی‌های خود را بهتر بشناسند. بسیاری از دانش‌آموزان در پروژه‌های هنری گروهی شرکت کرده‌اند و این مشارکت باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آن‌ها شده است. فعالیت‌های هنری گروهی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که در کنار یادگیری تکنیک‌های هنری، مهارت‌های همکاری و تعامل با دیگران را نیز بیاموزند. این دانش‌آموزان از طریق همکاری در خلق آثار هنری، ارتباط مؤثری با همکلاسی‌های خود برقرار کرده و مهارت‌های اجتماعی خود را ارتقاء داده‌اند.

آثار هنری خلق‌شده توسط دانش‌آموزان نشان می‌دهند که هنرهای تجسمی می‌توانند ابزاری مؤثر برای بیان هویت فردی و فرهنگی باشند. بسیاری از دانش‌آموزان در فرایند خلق آثار هنری خود، مفاهیم و تجربیات شخصی‌شان را در قالب هنر به تصویر کشیده‌اند. این فرایند باعث می‌شود که آن‌ها درک بهتری از هویت فردی و فرهنگی خود پیدا کنند و به ارزش‌های فرهنگی خود آگاهی بیشتری پیدا کنند. همچنین، هنر به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که به صورت غیرمستقیم با فرهنگ‌ها و ایده‌های مختلف آشنا شوند و دیدگاه‌های خود را در یک بستر جهانی ابراز کنند. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس‌های هنرهای تجسمی، مهارت‌های شناختی خود را بهبود داده‌اند. از آنجا که هنر یک فعالیت چندحسی است، فرایند یادگیری در این کلاس‌ها باعث تقویت حافظه، دقت و تمرکز در دانش‌آموزان می‌شود. آن‌ها در هنگام خلق آثار هنری از حواس مختلفی مانند بینایی، لمس و گاهی شنوایی برای درک



بهبتر مفاهیم و تکنیک‌های هنری استفاده می‌کنند، که این مسئله موجب تقویت فرآیند یادگیری در دیگر زمینه‌ها نیز می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که آموزش هنرهای تجسمی تأثیرات گسترده‌ای بر رشد خلاقیت، توانمندی‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد. این آموزش‌ها نه تنها به تقویت مهارت‌های هنری می‌پردازند، بلکه به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا از طریق هنر به شکوفایی پتانسیل‌های ذهنی و اجتماعی خود بپردازند. به طور کلی، این پژوهش تأکید می‌کند که آموزش هنرهای تجسمی باید بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه درسی مدارس باشد، زیرا می‌تواند به شکل‌گیری دانش‌آموزانی خلاق، با اعتماد به نفس و توانمند در مواجهه با چالش‌های زندگی کمک کند.

● پیشنهادات:

بر اساس نتایج این پژوهش، به منظور ارتقاء کیفیت آموزش هنرهای تجسمی و بهره‌مندی بیشتر دانش‌آموزان از مزایای آن، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. گنجاندن آموزش هنر در برنامه‌های درسی مدارس به طور جدی‌تر

با توجه به تاثیرات مثبت هنرهای تجسمی بر رشد خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود که مدارس به صورت جدی‌تری به برنامه‌های آموزشی هنر بپردازند. این آموزش‌ها باید در تمام مقاطع تحصیلی به‌ویژه در مقاطع ابتدایی و متوسطه گنجانده شود تا دانش‌آموزان از همان ابتدا با مباحث هنری آشنا شوند و توانمندی‌های خود را در این زمینه پرورش دهند.

۲. آموزش هنر به صورت چندجانبه و بین‌رشته‌ای

پیشنهاد می‌شود که در کنار آموزش هنرهای تجسمی، از روش‌های چندجانبه و بین‌رشته‌ای برای تدریس استفاده شود. به این معنا که هنرهای تجسمی می‌توانند با سایر دروس مانند تاریخ، زبان، علوم اجتماعی و حتی ریاضیات ترکیب شوند تا دانش‌آموزان بتوانند روابط میان رشته‌ها را درک کرده و از هنر به‌عنوان یک ابزار یادگیری در سایر حوزه‌ها بهره‌برداری کنند.



۳. توسعه مهارت‌های معلمان هنر

برای اطمینان از کیفیت بالای آموزش هنرهای تجسمی، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های حرفه‌ای برای معلمان هنر برگزار شود. این برنامه‌ها باید به روز و مطابق با روش‌های نوین تدریس هنر طراحی شوند تا معلمان بتوانند با استفاده از ابزارهای مدرن و متدهای خلاقانه، بهترین تجربه‌های آموزشی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

۴. ایجاد فضاهای مناسب برای فعالیت‌های هنری

مدارس باید فضاهای مناسب و تجهیزاتی را برای فعالیت‌های هنری فراهم کنند. این فضاها باید انعطاف‌پذیر باشند و به دانش‌آموزان این امکان را دهند که آزادانه خلاقیت خود را بیان کنند. علاوه بر این، وجود تجهیزات و مواد اولیه مناسب مانند رنگ‌ها، بوم‌ها، کاغذها و ابزارهای مختلف می‌تواند به دانش‌آموزان در خلق آثار هنری با کیفیت‌تر کمک کند.

۵. مشارکت خانواده‌ها در فرآیند آموزش هنر

برای تقویت تأثیرات آموزش هنرهای تجسمی، پیشنهاد می‌شود که خانواده‌ها به طور فعال در فرآیند آموزش هنر مشارکت کنند. این مشارکت می‌تواند از طریق برگزاری نمایشگاه‌های هنری در مدارس، مشارکت در پروژه‌های هنری گروهی و حتی بازدید از گالری‌ها و موزه‌های هنری باشد. ارتباط مستمر میان مدرسه و خانواده می‌تواند به ارتقای تجربه هنری دانش‌آموزان کمک کند.

۶. برگزاری نمایشگاه‌های هنری دانش‌آموزی

برگزاری نمایشگاه‌های هنری در مدارس و یا در سطح محلی می‌تواند به دانش‌آموزان انگیزه دهد تا آثار هنری خود را به نمایش بگذارند و از این طریق خود را به دیگران معرفی کنند. این نمایشگاه‌ها به عنوان یک پلتفرم برای معرفی خلاقیت‌های دانش‌آموزان عمل کرده و باعث افزایش اعتماد به نفس آن‌ها می‌شود.



۷. تشویق به پژوهش و نوآوری در هنر

پیشنهاد می‌شود که دانش‌آموزان به تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف هنری تشویق شوند. ایجاد فضاهای پژوهشی در کلاس‌های هنر، معرفی انواع تکنیک‌های هنری و آشنایی با هنرمندان بزرگ جهان می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا دیدگاه‌های نوآورانه‌تری داشته باشند و در آینده به عنوان هنرمندانی خلاق و محقق در زمینه هنرهای تجسمی شناخته شوند.

۸. استفاده از فناوری‌های نوین در تدریس هنر

به‌منظور جذب توجه بیشتر دانش‌آموزان و بهره‌مندی از امکانات جدید، پیشنهاد می‌شود که از فناوری‌های نوین مانند نرم‌افزارهای طراحی گرافیکی، ویدئوآرت، و یا واقعیت افزوده (AR) در تدریس هنرهای تجسمی استفاده شود. این فناوری‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان تجربه‌های جدیدی در ایجاد آثار هنری بدهند و زمینه‌ساز خلاقیت‌های بیشتری شوند.

۹. ارزیابی مستمر آثار هنری دانش‌آموزان

به‌جای ارزیابی صرفاً مبتنی بر نتایج نهایی و آثار هنری، پیشنهاد می‌شود که فرایند خلق آثار هنری نیز مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی مستمر فرایند کار، نحوه فکر کردن و روش‌های بکارگیری تکنیک‌ها می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در فرایند یادگیری خود پیشرفت کنند و مهارت‌های هنری خود را بهبود بخشند.

۱۰. ارتباط با نهادها و سازمان‌های هنری

پیشنهاد می‌شود که مدارس با نهادها و سازمان‌های هنری محلی و بین‌المللی ارتباط برقرار کنند تا دانش‌آموزان با دنیای هنر در خارج از کلاس نیز آشنا شوند. این ارتباط می‌تواند شامل برگزاری کارگاه‌های هنری، بازدید از گالری‌ها و موزه‌ها و حتی همکاری با هنرمندان حرفه‌ای باشد.

با اجرای این پیشنهادات، می‌توان به بهبود آموزش هنرهای تجسمی در مدارس و در نتیجه پرورش نسل خلاق‌تر، نوآورتر و توانمندتر در جامعه کمک کرد.



منابع و مأخذ

۱. ایزنر، ای. و. (۲۰۰۲). هنرها و خلق ذهن.
۲. گاردنر، ه. (۱۹۹۳). قالب‌های ذهن: تئوری هوش‌های چندگانه.
۳. وینر، ا. و هتلند، ل. (۲۰۰۰). هنرها در آموزش: ارزیابی شواهد.
۴. هتلند، ل. و وینر، ا. (۲۰۰۴). هنرها و پیشرفت علمی: آنچه شواهد نشان می‌دهند.
۵. برتون، ج. م.، هوروویتز، آلیس، ه. ف. (۱۹۹۹). یادگیری از طریق هنر: پرسش انتقال
۶. دیویی، ج. (۱۹۳۴). هنر به عنوان تجربه.
۷. بامفورد، آ. (۲۰۰۶). عامل شگفتی: تحقیق جهانی در مورد تأثیر هنرها در آموزش.
۸. اورک، ب. (۲۰۰۴). هنر در آموزش: مروری بر ادبیات.
۹. سیتز، پ. (۲۰۱۷). هنر و آموزش: نگاهی به تقاطع آن‌ها.
۱۰. چاپل، سی. و کرفت، آ. (۲۰۰۸). خلاقیت و آموزش: نقش هنرها.

۱. <https://www.noormags.ir>

۲. <https://www.magiran.com>

۳. <https://www.civilica.com>

۴. <https://www.sid.ir>

۵. <https://www.noorlib.ir>

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین



اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
Ghanonyar@YAHOO.COM

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی


 مرکز ملی همایش علمی اسلامی ایران
 تحت پوشش خبری صداوسیما



جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵